

تقدیر چنین بود که مرگ ناگهانی فریدون آدمیت عزیز، همسر مهربان و به غایت باوفای او و دوستان فراوانش در ایران و در سراسر دنیا را در این نوروز، در غم و اندوه فراوان فرو برد. هر چند ناسپاسی‌های گوناگون در کشور درباره او روا داشتند ولی در عوض هزاران مردمان ایران دوست قدر خدمات علمی او را دانستند و می‌دانند که آثار گرانبهای این متفکر استثنایی و پربار همیشه موجب تسلی خاطر آنان خواهد بود.

فریدون آدمیت پس از ختم تحصیلاتش در علوم سیاسی به استخدام وزارت امور خارجه درآمد. در نخستین مأموریتش عازم انگلستان شد و در حین خدمت رساله دکتری‌اش را راجع به مسائل سیاسی، حقوقی و سوابق تاریخی بحرین در دانشگاه لندن به پایان رساند. این رساله در تاریخ ۱۹۵۵ در نیویورک به چاپ رسید. در آن دوران که هنوز مسئله بحرین چندان مورد توجه اولیای دولت نبود، این تألیف بهترین سند حقایقت ادعای ایران راجع به این جزیره و نشانه ایران‌دوستی او بود.

اولین تألیفی که او در ایران منتشر کرد کتاب باارزشی بود درباره امیرکبیر و ایران. تا آن زمان خدمات استثنایی امیرکبیر، این صدراعظم وطن‌پرست و باتدبیر، برای عموم شناخته شده نبود. من به یاد دارم جوانان هم‌سن من، یعنی حدود ۱۸ و ۱۹ سال، وقتی مطالعه این کتاب را به آخر می‌رساندند، عشق به ایران‌زمین در وجودشان شعله‌ور

می شد.

تألیف دیگر او درباره خدمات و اصلاحات میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار بود که در آن با دقت عجیبی ابداعات اداری و کشوری او را در ایران که حتی خواص هم با آن آشنایی نداشتند، به نحو بارزی شرح داده است. به یاد دارم در مجلسی که آدمیت حضور داشت یکی از دوستان از او سؤال کرد علت اصلی تألیف این دو کتاب با این شرح و بسط فراوان چه بوده است؟ او پاسخ داد: می خواستم برای هموطنانم روشن کنم که منظور این دو مرد بزرگ از این خدمات وسیع این بوده است که سال ها قبل از انقلاب مشروطه، افکار عمومی را در یک رژیم صددرصد استبدادی با قانون و اجرای آن آشنا کنند تا مردم هم عصر ما بدانند قیام ملت ایران حتی به طور ناخودآگاه در فکر و ذهن آن ها همیشه حضور داشته است.

به غیر از این، کتاب های متعددی درباره فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران، مجلس اول و بحران آزادی، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران و تألیفات دیگر و تعداد زیادی مقالات درباره دموکراسی و آزادی از وی منتشر شده است.

آدمیت سال ها در هیأت نمایندگی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد شرکت می کرد. در حقیقت نقش وی بیشتر جنبه کارشناسی و بررسی مسائل و تهیه گزارشات برای هیأت نمایندگی ایران بود. او سپس از سوی وزارت امور خارجه ایران در سال های ۱۳۴۰ - ۱۳۴۲ به سفارت در لاهه منصوب شد و در سال های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۴ به عنوان سفیر در کشور هند انجام وظیفه کرد. در اینجا بی مناسبت نمی دانم خاطره ای از دوران سفارتش در هند را نقل کنم. او می گفت در دوران سفارتش در هند، دولت ایران از رئیس جمهور آن کشور، رادا کریشنا برای بازدید از ایران دعوت رسمی بعمل آورد. در این سفر دکتر آدمیت همراه رئیس جمهور هند بود. روز ماقبل آخر این سفر رئیس جمهور هند برای بازدید از اصفهان و تخت جمشید به آن دیار سفر می کند. در بازگشت، در هواپیما از آدمیت می خواهد که در صورت امکان ترتیب یک دیدار با شاه را برای او بدهد. به محض نشستن هواپیما در فرودگاه مهرآباد، آدمیت و علاه ترتیب ملاقات فوری با شاه را می دهند.

پس از این ملاقات رئیس جمهور هند به کشور خود باز می گردد. ماه ها پس از آن در ضیافتی که در کاخ ریاست جمهوری هند برقرار بود و آدمیت نیز به عنوان سفیر در آن ضیافت دعوت داشت، به محض ورود، رئیس تشریفات بنا بر درخواست رئیس جمهور،

آدمیت را به میز وی هدایت می‌کند و رئیس جمهور او را در کنار خود می‌نشانند. در ضمن صرف غذا، رادا کریشنا به آدمیت می‌گوید: من می‌خواهم رازی را برای شما که می‌دانم نسبت به آزادی و دموکراسی علاقه خاصی دارید، افشا کنم. در دیدار اولم پس از ورود به ایران، شاه از من خواسته بود که هر آنچه در این مسافرت به نظرم رسید، قبل از ترک ایران صراحتاً به او بگویم. در آخرین ملاقاتی که شما و علاء برای من با شاه ترتیب دادید، به ایشان گفتم که دیدار بناهای تاریخی کشور شما برای من مظهر عظمت تمدن کشور ایران بود. لذا با توجه به این آثار بنا بر تقاضای شما در مورد اظهار آنچه که به نظر من در این سفر مهم آمد، مطلبی که توجه مرا به خود جلب کرده این است که بقای این وضع و بارور شدن این تمدن لازمه‌اش آن است که شخص اعلیحضرت به آنچه که اساس و بنیان نظام کنونی است توجه کنند. همچنان که خود گفته‌اید قانون اساسی پایه حکومت است لذا من معتقدم رعایت کامل قانون اساسی شما را از هر گزند داخلی و خارجی مصون خواهد داشت.

و اما چند کلمه‌ای درباره روش تحقیق دکتر آدمیت. بی‌مبالغه می‌توان گفت که دکتر آدمیت روشی را به کار می‌برد که علمای معروف تاریخ به کار برده و می‌برند. روش او روش شناخت واقعیات بدون هیچ ملاحظه‌ای بود. مثلاً در تحلیل و تحقیق درباره مشروطیت، رهبران و سیاستمداران مشروطه و دوره‌های اول پس از آن را - چه روحانی و چه غیرروحانی - اگر وطن‌پرستی و رعایت اصول علمی و اخلاقی مورد نظر آنان بود، بی‌پروا آنها را ستایش می‌کرد، مثلاً مؤتمن‌الملک، مصدق و مدرس را که به تقوی و درستی آنها اعتقاد داشت می‌ستود. اما در مورد کسانی که رعایت اخلاقیات را نمی‌کردند و انحرافات مرتکب می‌شدند با شجاعت تمام مورد نکوهش قرار می‌داد. این روش را آدمیت در همه موارد بکار می‌برد و چه بسا از استادان علوم سیاسی دانشگاه‌های امروزی ما هم در این امور وسواس و دقت بیشتری داشت.

برای فریدون آدمیت، اصول علمی و اخلاقی بسیار حائز اهمیت بود. اولین بار که من بعد از بازنشستگی از وزارت خارجه او را نزد یکی از استادان جوان تاریخ حین بحث دیدم، از او پرسیدم الان مشغول چه کاری هستید؟ جواب داد: من تا کارشناس و کارمند بودم به راحتی و آزادانه تحقیقات خود را انجام می‌دادم اما وقتی به درجه سفارت رسیدم و به من لقب سفیر اعلیحضرت را دادند در بعضی از امور سروکارم مستقیماً با شاه بود و همه هم می‌دانند که شاه پس از خرداد ۱۳۴۲ غروری بی‌حد به او دست داده بود. به همین علت من بعد از چندین جلسه صحبت با او ناامید شدم، این بود که تصمیم گرفتم از

خدمت در وزارت خارجه خود را خلاص و تقاضای بازنشستگی کنم تا بتوانم به راحتی به تحقیقاتم ادامه بدهم.

آدمیت با دانش پژوهان جوان بسیار با تواضع و محبت رفتار می‌کرد و درب خانه وی همواره بر آنها باز بود. امیدوارم مورخان جوان ما راه وی را دنبال کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

« ذهنی توانا، فعاله و فکور و غیر احساساتی داشته بی‌عدالتی را زود تشخیص می‌داد، خیالاتی نبود، و از وراعی و هیجان‌های نفسانی روشنفکران همان‌قدر منزجر بود که از بلاهت و تفرعن بورژوازی؛ روشنفکران به نظرش بیشتر وقتها بی‌هدف پرچانگی می‌کردند، از واقعیت دور می‌نمودند، و صادق و ریاکارشان به یکسان آزاردهنده بودند؛ بورژوازی، در آن واحد هم فریبکار بود و هم خودفریب، و حرص و طمع مال و مقام چشمش را به ویژگی‌های اجتماعی مهم زمانه بسته بود.» این توصیف آیزایا برلین است از کارل مارکس. در این کتاب بود که آیزایا برلین برای اولین بار استمداد شگرف خود را در تاریخ اندیشه‌ها آشکار کرد. این کتاب هم زندگی‌نامه‌ی مارکس است و هم شرح مارکسیسم.



نشر ماه
۶۶۹۵۱۸۸۰

رضا رضایی

زندگی و محیط

آیزایا برلین
کارل مارکس